

طبایع الاستبداد گواگبی

اکنون بی مناسبت نیست که قسمتی از مطالب کتاب طبایع الاستبداد را در اینجا بیاوریم: گواگبی قیافه عمومی محیط استبداد را در صورت حسب و نسب استبداد اینطور بیان میکند: اگر استبداد بصورت مردی درآید از حسب و نسبش بررسی میگوید: من شرم، پدرم ظلم، مادرم بدی و بد رفتاری، برادرم مکر و حيله، خواهرم درماندگی، عمویم ضرر، دایی ام زبونی، فرزندم فقر، دخترم بیکاری و وطنم خرابه، خویشاوندم جهل است.

میکوید: مگر نه این است که علماء امت اجماع نموده اند که منکر ترا زهر منکر ظلم است، پس چرا نباید از این منکر جلو گیری شود؛ و باید باریشه این منکر مبارزه کرد زیرا تاریشه آن ثابت است ثمرات زهر آگین آن با کمک شیطان بصورت های گوناگون باقی است، بدینجهت باید در اصل و فرع و آثار و نتایج استبداد که ریشه ظلم است بررسی نمود، و در نظر و آراء علماء دین و اجتماع دقت کرد، خلاصه آراء از این قرار است:

عقل و تاریخ و مشاهده گواه است که در محیط استبداد، وزیر بزرگتر همان فرومایه بزرگتر است چنانکه بحسب مقامات و پستها هر که پائین تر است شخصیت بیشتر دارد.

درجات استبداد را چگونه باید بدست آورد؟ مثلا اگر بخواهیم بدانیم که «نردن» ظالمتر و مستبدتر بود یا «تیمور لنگ»، علماء اجتماع میگویند: درجه استبداد باندازه ترس مستبد و حریم گرفتن از مردم است، چنانکه اندازه عدل زمامدار بحسب امنیت است که در میان مردم دارد.

ملات مسئول است هر حکومت عادلانه ای که از مسئولیت و مؤاخذنه مصون

باشد و ملت از جلو گیری و مؤاخذہ غفلت و کوتاہی نماید بزودی مبدل باستبداد می شود و از غفلت مردم و قدرت سپاهی برای کوبیدن ملت استفاده مینماید

مستبد انسان عادی است ، و فرد عادی مردم در میان حیوانات بگوسفند و سگک انس می ورزد ، شخص مستبد دوست دارد که مردم مثل گوسفند شیر و پشم بدهند و مانند سگک متملق باشند ؛ مردم باید خود را مانند اسب بدانند که اگر خدمت شد خدمت نماید ، اگر آزارش کردند چموشی کند ؛ باید هشیار باشد که برای خدمت بمستبد آفریده نشده بلکه مستبد خادم او است .

کدام بیشتر می ترسند مستبد یا ملت ؟ بدون شك ترس ظالم مستبد بیشتر است زیرا ترس او از روی علم است ، و ترس مردم از جهل ؛ ترس او از انتقام بحق است و ترس مردم از توهم و احتمال بیچارگی ، ترس او از جان و قدرت است ، و ترس مردم برای چند لقمه نان و غذاست و زندگی که بآن انس گرفته اند . بدینجهت گاهی مستبد بتظاهر کارهای خوبی انجام میدهد تا چنانکه زندگی و سرمایه های طبیعی مردم را در اختیار دارد دلها را نیز مالک شود .

مستبد هرچه بر ظلم بیافزاید ترس و وحشتش بیشتر می شود تا آنجا که از اطرافیان و سایه خیال خود می هراسد ، بسیاری از مستبدين زندگیشان بدرندگی و دیوانگی ختم شده .

چرا مستبد با علم دشمن است ؟ - مستبد علم را بدات و از جهت نتایجش دوست نمی آرد ؛ چون علم را قدرت و سلطنتی است که از هر قدرتی نیرومندتر است پس ناچار هر گاه که چشم مستبد بر روی عالمی بیافتد خود را کوچک می بیند باینجهت نمی خواهد روی عالمی را ببیند و اگر بخواهد از عالم روحانی یا طبیب یا مهندس استفاده کند از فرومایه های متملق این دسته ها میگزیند . آنچه بیش از هر چیز میترسد این است که مردم حقیقت آزاد منشی را بشناسند ، و بمعظمت و قدرت سازمان نفسی و عزت آن پی برند و بر موز شرافت و حقوق و راه مبارزه با ظلم و بمقام انسانیت و وظائف و مسئولیت آشنا شوند ، .

از مکرهای مستبدین، این استکه گاهی بنام عدالت از عمال خود انتقام - جوئی میکنند تا همه مردم را خوشنود سازند و هم قدرت مقاومت احتمالی عمال خود را خرد کنند هم فرومایه تر از آن شخصی را بجای وی بنشانند؛ مکر و نقشه شیطانی دیگر مستبد این استکه وسائل عیاشی و خوشی را برای عموم اطرافیان خود فراهم میسازد تا آنجا که عادت شود و یکسره تسلیم اراده او شوند و بوسیله آنها ملت را ذلیل نماید. همین کار را با سران دینی و دسته جات دیگر می نماید بعضی از عمال خود را با مال فراوان قدرت میدهد و با نامها و القاب و نشانها آنها را مفتخر و مردم را مرعوب مینماید و دست ظلم عمال خود را باز میگذارد تا مردم را از آنها متنفر گردانند و چاره ای جز پشتیبانی و اجراء منویات او نداشته باشند، این قسمتی از مطالب کواکبی است درباره طبیعت و خوی استبداد، و مطالب و تحقیقات بیشتر و عمیقتری دارد که ذکر آن بطول می انجامید، و بحث مهم این کتاب تأثیر استبداد در دین و علم و شرافت و اخلاق و تربیت است، و خطرناکتر این استکه ملتیکه مدتها در زیر فشار ظلم و استبداد بسر بردنالت برای آن طبیعت ثانوی میگردد و دیگر احساس عزت نمیکند بلکه مفهوم عزت و شرف را درک نمی نمایند

در برابر حکومت استبدادی ظالمانه حکومت عدل و قانون است چنین حکومتی خود را نگهدار و مجری قانونی میدانند که بسود همه و برای همه است و در سایه آن استبداد - های مادی و معنوی ملت ر شده مینماید و حاکم و عمال آن راملت از خود میدانند و در حدود قانون همه آزادند و در برابر آن همه یکسانند و امین بر مال و جسم و اخلاق و شرافت ملت است، در تاریخ کم و بیش نمونه های بسیاری دارد و همین دلیل بر آنستکه وجود آن ممکن است ولی خواستن و خواستگاری این جمال اجتماعی مهرش هشیاری و فداکاری ملت است، چنین محیط عادلانه سایه بهشت است که گویا همه مردم در خوشی و لذت جاویدان بسر می برند، و ترس و نگرانی در میان مردم نیست.

کتاب دیگر مرحوم سید کواکبی کتاب «ام القری» است، این کتاب را بعد

از تطبیح الاستبداد نوشته است ، کواکبی بعد از مسافرت‌هایی که بکشورهای اسلامی نمود و از نزدیک وضع عالم اسلام و مسلمانان را برسی کرد و بعقل عمومی و خصوصی انحطاط مسلمانان برخورد متوجه شد که علت فقر عمومی مسلمین تفرقه و اختلاف است ، و رفع آن بدست حکومتها ممکن نیست زیرا حکومتها محکوم سیاستهای روز هستند و هیچگاه نمیتوانند برای همیشه با هم نزدیک باشند بلکه برای دوام حکومت خود اختلافات را دامن میزنند ، چنانکه گفته شد فکر اجتماع و شورای اسلامی از آیات قرآن و روش رسول اکرم ﷺ سرچشمه گرفته است

در این کتاب محل و چگونگی این اجتماع را طرح نموده ، بعضی این کتاب را داستان تخیلی میدانند ولی گویا در مسافرت حج چنین اجتماعی صورت گرفته ولی بصورت کوچک و ساده‌ای ، و بعضی از نمایندگان کشورهای اسلامی در آن بوده‌اند آنگاه این صورت کوچک را در کتاب ام القری (مکه مکرمه) تکمیل نموده و مفصل تر آورده ، در این کتاب از زبان علماء و مردان متفکر اسلامی وضع پنج‌سال پیش کشورهای اسلامی را ماثلاً کرده و دردها و گرفتاری‌های هر یک از محیط‌های اسلامی را بیان نموده و راههای علاج را برسی کرده ، همین کتاب است که منشأ فکر و نظریه مؤتمر های اسلامی شده و از خیال بتدریج بصورت واقعی می‌یابد و انشاء الله بخیر و خدمت مسلمانان قیام مینماید .

طالع یک ستاره در عالم مطبوعات

نشریه‌ای سودمند که حاوی مقالاتی متین و گراور هائی از آثار تاریخی و اشیاء نفیس موزه حضرت ثامن الائمه از طرف آستانه قدس رضوی منتشر و دو شماره آن بدفتر مجله رسید

استفاده از این نشریه را بعموم دوستداران علم و ادب توصیه و مرقفیت نیابت تولیت عظمی و مدیر محترم و هیئت تحریریه آن را آرزو مندیم